

در پایان این رشته سخن از دانشمندان حقوق و علماء فقه اسلامی در خواست مینمائیم مقررات مخصوصی اگر در فقه اسلامی وجود دارد و مواد قوانین موجوده غیر از آنچه ما در این مقاله اقتباس کریم و اطلاعات دیگر مربوط باین موضوع را در همین مجموعه حقوقی برای مزید اطلاع درج فرمایند.

و نیز موضوع بدین مهمی قابل مطالعه بیشتری است و بنابراین هر کس و بهر عنوان درین خصوص نظریاتی انتقادی دارد وظیفه دارد اظهار نماید باشد که از مباحثات علمی و نظریات مختلف روشنی پیدا و وصول بمقصود آسان گردد.

پایان

است همچنانکه در سایر رشته ها وزارت داد گستری گامهای بلندی در عصر فرخنده پهلوی بسوی ترقی و تکامل برداشته عطف توجهی هم به بیچارگان مجنون نماید و برای اینکار پیشنهاد میکنیم کمیونی از متخصصین حقوقی و طب قانونی و نماینده وزارت دارائی برای مطالعه و تهیه نقشه يك « قانون مخصوص مجانین » تشکیل شده شروع به اقدام نماید - البته از تجارب دیگران بایستی استفاده نمود بهمین جهت بود که ما قانون مجانین فرانسه را که بیش از یک قرن است مورد عمل و تجربه قرار گرفته بنام نمونه در این مقاله درج نموده ضمناً معایب و نواقص آنرا نشان دادیم تا در حین تدوین قانون منظور مورد استفاده قرار گیرد

## فرق و امتیاز قانون لاحق ازدواج

با قانون ازدواج سابق

مزبوره غیر از صاحبان دفاتر رسمی دیگران هم حق اجرای عقد و ازدواج داشتند و آنها هم بدون رعایت مقررات، اجرای عقد می نمودند و شوهر را هم بوظیفه قانونی خود آشنا نمی نمودند و شوهر هم در خارج از دفاتر رسمی اقدام بازدواج زن مینمود ولی دیگر یا من باب عدم اطلاع بقانون و یا برای غفلت و مسامحه به ثبت آن در دفاتر رسمی اقدام نمی کرد و بمناسبت تصادف نامبرده با اشکالات فوق و نظایر آنها نظر اصلی تأمین نمی شد و از طرفی هم نظر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی از تعیین سن ازدواج پسر و دختر جلوگیری از وقوع ازدواج برخلاف مفاد خود بوده بدون اینکه نظری ببطالان و فساد چنین عقدی داشته باشد و چون این نظر ضابطه است

چون منظور مقنن از وضع ماده اول قانون ازدواج سابق اجبار شوهر بوده ثبت آن در مدت ۲۰ روز از تاریخ وقوع عقد خواه عقد ازدواج در دفاتر رسمی واقع شده باشد یا در خارج از آنها و بعلاوه منظور دیگری که از این ماده در نظر بود این است که کلیه عقود ازدواجی که در نقاط مختلفه کشور واقع میشود بعلمت ثبت آنها در دفاتر رسمی تحت نظر دولت بوده و شماره آنها نیز معلوم و معین گردد و نیز زن و شوهر در موقع بروز اختلاف در اساس زناشویی ( چون سند رسمی ثبت شده در دست دارند ) محتاج بکشمکش و زدو خورد محاکمه نشوند ولی تجربه نشان داد که عمل بماده منظورده کافی برای نیل بمقصود نیست زیرا از طرفی مطابق ماده

نداشت و معین نشده بود که اگر کسی بر خلاف مفاد آن ماده رفتار کرده چه اثر سوئی برای او خواهد داشت زیرا قانون ازدواج سابق فقط بکامه استعداد جسمانی قناعت نموده و تنها برای مردی مجازات تعیین کرده بود که با دختریکه فاقد استعداد جسمانی است ازدواج نماید و ابتدا بسن قانونی ازدواج اشاره و توجیهی نداشت و بعلاوه راجع بسن ازدواج پسر هم هیچگونه تکلیفی معین نکرده بود و نتیجه می توان گفت که مجازات معینه در قانون ازدواج سابق بهیچوجه شامل متخلفین از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را نبوده و دامن گیر آنبانی شد - این بود که نواقص مذکوره فوق بتدریج جلب نظر نموده و مورد توجه اولیای امور وقت واقع شده تا اخیراً نظر خاصی برفع آنها گماشته گردید و از طرف جناب آقای دکتر متین دفتری وزیر دادگستری وقت که فی الحقیقه افکار متین حضرت معظم له در تبیه و تنظیم قوانین جامع رزین بادر نظر گرفتن مقتضیات وقت و موقع شایان تقدیر است طرح قانونی در این باب تنظیم و بمجلس شورای ملی تقدیم گردید که در ماه خرداد سال ۱۳۱۶ تصویب و بموقع اجراء گذارده شد و بموجب آن قانون ماده اول و سوم قانون ازدواج سابق که دارای اشکالات مزبوره بود نسخ و ماده دیگری که هم رافع اشکالات و هم ضمانت اجرائی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را مینمود جایگزین آنها گردید و بموجب ماده اول این قانون وقوع عقد ازدواج و طلاق و رجوع در خارج از دفاتر رسمی بکلی ممنوع و کسانی که دارای دفاتر رسمی ازدواج نبوده باشند از اجرای عقد ازدواج و طلاق و رجوع محروم گردیدند و برای هر مردی که در خارج از دفاتر عقد ازدواج و غیره انجام دهد مجازاتی تعیین همچنین برای اشخاصی که فاقد دفتر رسمی بودند و با این حال اقدام با اجرای عقد و ایقاع مزبوره بنمایند کیفری معلوم گردید.

زیرا ماده نامبرده مقرر داشت ( در هر نقطه که

وزارت عدلیه معین و اعلام مینماید هر ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتریکه مطابق نظامنامه های وزارت دادگستری تنظیم می شود واقع و به ثبت برسد - در نقاط مزبوره مردی که در غیر از دفتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت با ازدواج و طلاق و رجوع نماید بیک تاشش ماه حبس تأدیبی محکوم میشود.

و همین مجازات درباره عاقدی مقرر است که در این نقاط بدون داشتن دفتر رسمی با اجرای صیغه ازدواج یا طلاق یا رجوع مبادرت نماید) و بموجب ماده دیگر اصلاحی ضمانت اجرائی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تعیین شده برای کلیه کسانی که برخلاف مقررات آن ماده رفتار نمایند اعم از زن و مرد و عاقد و خواسته گار و کسی که تسهیل و یاتبیه و سایل یا مقدمات برای تخلف از آن ماده نموده باشند مجازات قائل گردید و ماده مزبوره مقرر داشت (هر کسی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز بسن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند بشش ماه الی دوسال حبس تأدیبی محکوم می شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس بجزای نقدی از دوهزار ریال الی بیست هزار ریال محکوم گردد - و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی بتقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه است - و اگر منتهی بفوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است - عاقد و خواستگار و سایر اشخاص که شرکت در جرم داشته اند نیز بهمان مجازات یا بمجازاتیکه برای معاون جرم مقرر است محکوم میشوند) از ملاحظه ماده اول اصلاحی که هیچکس نمی تواند و نباید در خارج از دفاتر رسمی زنی را عقد کرده یا او را طلاق دهد و یا پس از طلاق رجوع نماید و هیچ عاقدی که دفتر رسمی ازدواج و طلاق ندارد نباید برای خود حق اجرای عقد ازدواج و طلاق و رجوع داده و بان اقدام بنماید والا مجازات

معینه در باره او اجراء خواهد شد .  
و البته از نظر اینکه هنوز در تمام نقاط کشور ایران دفاتر منظوره مزبوره تشکیل نشده و سردفتری که دارای وظایف قانونی بوده باشد و انجام و اجرای عقد و ایقاع فوق بعهده او محول شده باشد معین نشده و بنا بر این اجرای مفاد ماده اول در آن نقاط مشکل و بلکه متعذر بود برای پیش بینی این موضوع بود که صدر ماده مزبوره تکلیف این نقاط را تعیین و اجرای مقررات ماده را بوجود دواهر موکول نمود که یکی از آن دو امر وجود دفاتر ازدواج و طلاق است در محل و دریمی اعلان و آگهی دادن وزارت دادگستری است باین معنی مادام که در محلی دفتر مزبوره تشکیل نشده و اگر تشکیل هم شده ولی راجع بانزام اجرای عقد ازدواج و طلاق و رجوع در آن دفتر آگهی منتشر نگردیده است باید طبق ماده اول سابق ازدواج عمل نموده و همینکه دفتر مزبور تشکیل و اعلان الزام رجوع بدفتر مزبور داده شد از آن تاریخ مردم آن محل مجبور باطاعت از آن بوده و مقررات ماده اصلاحی در باره آنها مجری شده و ماده اول قانون ازدواج سابق عملاً نسخ خواهد شد و چون ممکن بود پس از اصلاح ماده اول قانون ازدواج سابق و وضع ماده اول قانون اصلاحی فعلی بجای آن توهم این برود که ماده اول سابق از بین رفته و بکلی نسخ شده و عمل بان دیگر مورد لزوم نیست . وزارت دادگستری برای رفع این توهم در صدد برآمده و زمینه برای توضیح این قسمت در ضمن قانون

(لزوم ارائه گواهینامه بزشت قبل از ازدواج) تنظیم و پیشنهاد نمود که در آذر ۱۳۱۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و بموقع اجراء گذارده شد که بموجب ماده اول این قانون ماده اول اصلاحی روشن و منظور از آن کاملاً واضح گردید و مقرر شد ( در حوزدهائیکه آگهی فوق الذکر از طرف وزارت دادگستری نشده است شوهر مکلف است در صورتیکه در غیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت بازواج یا طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق یا رجوع بیکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق رجوع کرده قبضه مزاجت یا طلاقنامه یا رجوع را به ثبت برساند و الا بیک تا شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد) بنا بر این دیگر جای تردید نماند که مفاد ماده اول قانون اصلاحی ازدواج فقط در نقاطی لازم الاجراء است که دفاتر رسمی ازدواج و طلاق موجود و لزوم وقوع وقایع سه گانه در آن دفاتر از طرف وزارت دادگستری آگهی شود و در غیر این مورد همان ماده اول سابق معمول به بوده و قابل اجراء خواهد بود و در حقیقت همان ماده اول ازدواج سابق بود که در ضمن قانون مصوب آذر ۱۳۱۷ مجدداً تکرار و تصویب گردید که اولاً دفع توهم مذکور بعمل آید و بعلاوه بقاء آن بر قوت سابق خود تایید گردد . شرح ماده سوم اصلاحی در مقاله دیگر بنظر خوانندگان محترم خواهد رسید .

محمد بدیع تبریزی